

سلسله درس های مهدویت

حلقه چهارم



دکتر سید محمد کربنی هاشمی



سرشناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور: لوازم معرفت؛ سلسله درس‌های مهدویت، حلقة چهارم
سید محمد بنی‌هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۲۰۵ ص.
شابک جلد چهارم: ۰۳۹-۹۶۴-۱۵۱-۳
شابک دوره: ۰۳۹-۹۶۴-۱۵۱-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
یادداشت: کتابنامه: همچین به صورت زیرنویس.
موضوع: محمدين حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق، مهدویت.
موضوع: محمدين حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق، احادیث.
ردیبلدی کنگره: ۱۳۸۸، ۸ س، ب ۸۳ / BP ۲۲۴ / ۴۶۲ / ۲۹۷
ردیبلدی دیوبی: ۱۷۲۹۴۱۵
شماره کتابشناسی ملی:

ISBN 978-964-539-151-3 ۹۷۸-۹۶۴-۰۳۹-۱۵۱-۳

لوازم معرفت

سلسله درس‌های مهدویت (۴)

سید محمد بنی‌هاشمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

حروفچینی: شبیر ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: زنبق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پژوهشگان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۰۷۷۵۲۱۸۳۶ (۶ خط)
فروشگاه: تهران، خیابان ابران، خیابان مهدوی بور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۹۳۵ (۴ خط) ۷۵۲۱۸۳۶

وب سایت: <http://www.monir.com>
پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: تبریز (صحیفه) ۰۵۵۱۸۴۸ - ۰۴۱۱ - ۰۶۱۱ - ۰۲۲۱۷۰۰۱ * مشهد ۰۵۱۱ - ۰۲۲۵۷۲۵۷ * اهواز (رشد) ۰۶۱۱ - ۰۲۲۱۹۱۶ - ۰۷۱۱ * اصفهان (مهر قائم) ۰۳۱۱ - ۰۲۲۲۱۹۹۵ * ۰۶۴۱ - ۰۲۲۶۱۸۲۱



فروشگاه تخصصی کتب دینی

این حلقه به نیابت از:

چهارمین سفیر و نایب خاص خاتم الاصحیاء علیهم السلام

جناب علی بن محمد سیمری علیه السلام

به پیشگاه؛

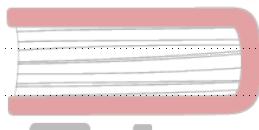
عموی بزرگوار خاتم الانبیاء علیهم السلام

فروشنگاه تخصصی حضرت حمزه بن عبدالمطلب علیهم السلام

تقديم مى گردد.



فهرست مطالب



فصل اول: صحّت معرفت

درس اول: صحّت معرفت

۱۵ ملاک صحّت معرفت

۱۵ علم صحيح فقط نزد اهل بیت ﷺ است

۱۶ استقامت در پرتو علم صحيح



۱۸ بشارت خداوند به خردمندان

فصل دوم: تسلیم به امر الهی در مورد امام علیہ السلام

۲۷ درس دوم: تسلیم در برابر امام علیہ السلام، لزمه ایمان

۲۷ شرط تسلیم در معرفت

۲۹ شرک و کفر، نتیجه عدم تسلیم

۳۱ ناسازگاری استعجال با تسلیم

۳۶ درس سوم: راه تحقیق تسلیم نسبت به ائمه علیهم السلام

۳۶ مقدم کردن خواست ائمه علیهم السلام بر خواست خود

۳۹ تسلیم نسبت به احادیث در زمان غیبت

۴۱ صعوبت تحمل احادیث ائمه علیهم السلام

۸ لوازم معرفت

۴۳	انکار حدیث به سبب عدم تحمل آن
۴۶	درس چهارم: مواجههٔ صحیح با احادیث ائمه ^{علیهم السلام}
۴۶	فرض تعارض مدلول حدیث با حکم عقل
۴۸	اقسام تعارض عقل و نقل
۵۰	وظیفهٔ انسان نسبت به آیات و احادیث متشابه
۵۲	هفتاد منا برای احادیث اهل بیت ^{علیهم السلام}
۵۴	روش فقیه‌انه در استفاده از احادیث
۵۷	لزوم عنایت ائمه ^{علیهم السلام} برای تحمل احادیث
۶۰	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۴

فصل سوم: محبت نسبت به اهل بیت^{علیهم السلام}

۶۳	درس پنجم: محبت نسبت به اهل بیت ^{علیهم السلام}
۶۳	محبت، نشانهٔ ایمان کامل
۶۵	جلب محبت از طریق تسليم
۶۶	گریه برای امام ^{علیهم السلام} بر اثر شدت محبت
۷۰	دوستی با دوستان امام ^{علیهم السلام} و دشمنی با دشمنان ایشان
۷۳	اهمیت ادای حقوق برادران ایمانی
۷۵	رفع گرفتاری از دوستان امام ^{علیهم السلام}

فصل چهارم: یاد کردن پیوسته از امام^{علیهم السلام}

۸۱	درس ششم: یاد کردن پیوسته از امام ^{علیهم السلام}
۸۱	فراموش نکردن امام غایب
۸۲	مراتب ذکر امام ^{علیهم السلام}
۸۵	شرکت در مجالس ذکر اهل بیت ^{علیهم السلام}
۸۸	ذکر مصائب اهل بیت ^{علیهم السلام}

فهرست مطالب ۹

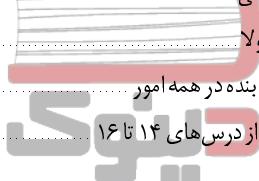
۹۱	فصل پنجم: یادگرفتن و باد دادن علوم ائمه <small>علیهم السلام</small>
۹۱	درس هفتم: یادگرفتن و باد دادن علوم ائمه <small>علیهم السلام</small>
۹۱	راه احیای امر اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۹۳	وظیفه عالمان در زمان غیبت
۹۵	بررسی‌های مفهومی از درس‌های ۵ تا ۷
۹۷	فصل ششم: انتظار و دعا
۹۷	درس هشتم: انتظار و دعا
۹۷	انتظار فرج امام عصر عجل الله تعالیٰ فرجه
۱۰۰	نیتِ منتظر بر پیرایی کردن امام <small>علیهم السلام</small>
۱۰۳	عاقبت یک عمر انتظار
۱۰۹	دعا برای تعجیل فرج امام عصر <small>علیهم السلام</small>
۱۰۹	دعای ائمه <small>علیهم السلام</small> بر تعجیل فرج امام عصر <small>علیهم السلام</small>
۱۱۳	فصل هفتم: احساس حضور امام عصر <small>علیهم السلام</small> و شکاف‌الضمیری کتب‌دینی
۱۱۳	درس نهم: احساس حضور امام عصر <small>علیهم السلام</small>
۱۱۳	توجه امام عصر <small>علیهم السلام</small> به مؤمنان
۱۱۶	احساس حضور امام <small>علیهم السلام</small> در زمان غیبت
۱۲۱	فصل هشتم: ورع دوستان امام عصر <small>علیهم السلام</small>
۱۲۱	درس دهم: ورع دوستان امام عصر <small>علیهم السلام</small>
۱۲۱	رعایت سنن ائمه <small>علیهم السلام</small> در زمان غیبت
۱۲۵	نقش ورع در دینداری
۱۲۷	کمک به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> از طریق ورع



۱۳۱	فصل نهم: نصرت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۳۱	درس یازدهم: نصرت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۳۱	یاری کردن خداوند
۱۳۳	یاری کردن امام غایب
۱۳۴	یاری کردن امام <small>علیه السلام</small> با زبان
۱۳۸	پرسش‌های مفهومی از درس ۸ تا ۱۱
۱۳۹	فصل دهم: وفا به عهد الهی
۱۳۹	درس دوازدهم: عهد بستن با پیامبر <small>صلوات الله علیہ و آله و سلم</small> و ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۳۹	عهد الهی در قرآن
۱۴۱	سابقه عدم وفا به عهد خداوند
۱۴۲	جزئیات عهد الهی در مورد امامت
۱۴۳	ضرورت وفا به عهد امامت در همه زمانها
۱۴۴	آخرین و مهمترین اعلام عهد امامت
۱۴۵	چگونگی عهد بستن با پیامبر <small>صلوات الله علیہ و آله و سلم</small> و ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۴۷	تجدید بیعت
۱۴۹	درس سیزدهم: پیمان بندگی (۱)
۱۵۰	معانی مولی و عبد
۱۵۲	شیوه مولی و عبد
۱۵۴	تفاوت عبودیت در برابر خدا و در برابر ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۵۷	عبدیت و سروری
۱۶۲	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۲ و ۱۳
۱۶۳	درس چهاردهم: پیمان بندگی (۲)
۱۶۳	مراتب عبودیت در برابر مولی
۱۶۴	اظهار عبودیت سید بن طاووس در پیشگاه امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۶۶	عبدالله مهدی <small>علیه السلام</small> شدن فرزند سید بن طاووس

فهرست مطالب □ ۱۱

۱۶۷	آقایی مولا در حق بندۀ خود
۱۶۹	اظهار بندگی نسبت به امام عصر علیهم السلام در کلام صدرالاسلام همدانی
۱۷۱	ضرورت معاهده بندۀ با مولای غایب خود
۱۷۳	درس پانزدهم: نقض پیمان و راه جبران آن
۱۷۳	نقض پیمان بندگی با ارتکاب گناه
۱۷۵	چگونگی محاسبه و تطهیر نفس از گناهان
۱۷۷	مناقشه خداوند نسبت به گناهان
۱۷۹	عدممناقشه در مورد گناهان به سبب تجدید عهد بالائمه علیهم السلام
۱۸۱	طلب مغفرت از مولا برای پاکی از گناهان
۱۸۳	توبه از گناه در هنگام عرض اعمال
۱۸۷	درس شانزدهم: وظیفه بندگی
۱۸۷	خشوع بندۀ در برابر مولا
۱۹۱	اولویت مولا نسبت به بندۀ در همه امور
۱۹۶	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۴ تا ۱۶



فصل یازدهم: خدمتگزاری به امام عصر علیهم السلام

۱۹۷	درس هفدهم: وظیفه خدمتگزاری
۱۹۷	آرزوی خدمت به حضرت ولی عصر علیهم السلام از زبان امام صادق علیهم السلام
۱۹۸	سبب لزوم خدمت به امام عصر علیهم السلام
۱۹۹	تفاوت بین نصرت و خدمت
۲۰۰	مباشرت در خدمت به امام زمان علیهم السلام
۲۰۱	اظهار فروتنی در خدمت به حضرت مهدی علیهم السلام
۲۰۳	مراتب خدمتگزاری به مولا
۲۰۷	درس هجدهم: چگونگی خدمت مقبول به مولا
۲۰۷	صاديق خدمتگزاری به امام غایب علیهم السلام
۲۱۰	گستره خدمت به حضرت ولی عصر علیهم السلام

۲۱۲	اهمیت صداقت و ادائی امانت در خدمت به امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۱۶	تعهد آور بودن انتساب به ائمه <small>علیهم السلام</small>
۲۱۷	شکر نعمت انتساب به ائمه <small>علیهم السلام</small>
۲۱۹	درس نوزدهم: دعوت مردم به سوی امام <small>علیه السلام</small>
۲۱۹	راههای مختلف دعوت به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۲۹	فضیلت رسیدگی علمی به ایتام آل محمد <small>علیهم السلام</small>
۲۲۳	ارزش دستگیری علمی از ایتام امام عصر <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت
۲۲۴	همدل شدن شیعیان بر وفای به عهد امامت
۲۲۶	محفوظ ماندن خدمت خالصانه و صحیح
۲۲۸	تلاش برای تداوم توفیق در خدمتگزاری
۳۳۱	درس بیستم: خدمت خالصانه
۳۳۱	جدیّت و اخلاص: دو عامل اساسی برای تداوم خدمتگزاری
۳۳۴	تعريف اخلاق و اهمیت آن
۲۵۴	ضرورت حُسن فعلی و فاعلی برای اصابة عمل
۲۳۷	شرط سوم اصابة عمل: خشیت از خداوند
۳۳۹	مراقبت از عمل تا هنگام مرگ
۲۴۱	سه شرط لازم برای خدمتگزاری صحیح
۲۴۵	بادی از شب عاشرورای امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۴۹	ذکری از مصائب کودک شیرخوار ابا عبدالله <small>علیهم السلام</small>
۲۵۰	زیارت عبدالله بن الحسین <small>علیه السلام</small>
۲۵۲	بررسی‌های مفهومی از درس‌های ۱۷ تا ۲۰
۲۵۳	فهرست منابع

در بخش دوم از حلقة سوم مباحثی در زمینه فضیلت و اهمیّت معرفت امام عصر^{علیه السلام} در زمان غیبت ایشان مطرح گردید. اکنون لازم است ویژگی‌های این معرفت تا اندازه‌ای مورد بررسی قرار گیرد تا معلوم شود چه معرفتی دارای آن آثاری است که در احادیث، ذکر شده و لوازم و نشانه‌های آن چیست.

اصل معرفت، یک امر قلبی است، اما آثار و لوازم آن هم می‌تواند امور قلبی باشد و هم امور خارجی. در این حلقة برای تکمیل مباحث گذشته به اهم این موارد اشاره می‌شود تا نتیجه عملی آن مباحث، روشن گردد.



١

فصل

صحت معرفت

درس اول: صحت معرفت

اولین ویژگی معرفتی که می تواند انسان را در زمان غیبت امام علیہ السلام از انحراف و بی دینی نجات پخشند، صحت و درستی آن است. اگر چنین نباشد، امیدی به اینکه دارنده آن در ولایت و امامت ائمه اطہار ثابت قدم بماند، وجود ندارد.

امام زین العابدین علیہ السلام می فرمایند:

إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَا غَيْرَتِينِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَىٰ ... وَ أَمَّا الْأُخْرَىٰ فَيَطُولُ أَمْدُهَا حَتَّىٰ يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ. فَلَا يَبْتَأِثُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوَىَ يَقْبِنُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ^١.

١ - كمال الدين، باب ٣١، ح ٨.

همانا قیام‌کننده از ما (اهل بیت) دو غیبت دارد که یکی از آنها طولانی‌تر از دیگری است.... و اما غیبت دیگر، پس مدت آن به درازا می‌کشد تا آن حد که بیشتر کسانی که اعتقاد به امامت او (حضرت مهدی علیه السلام) دارند، از این اعتقاد بر می‌گردند. پس ثابت قدم نمی‌ماند مگر کسی که یقینش محکم و معرفتش صحیح باشد و قلبًا پذیرفتن احکام ما برایش سخت نباشد (ظرفیت پذیرش آنچه را ما حکم می‌کنیم، داشته باشد) و تسلیم ما اهل بیت باشد.

این شرط برای هر معرفتی لازم است؛ چه معرفت خدا، چه معرفت رسول ﷺ و چه معرفت امام علیه السلام. به طور کلی همه معرفتهای دینی باید صحیح و مطابق آنچه خداوند خواسته است، باشد. اینکه باید دید چه معیاری برای صحّت معرفت وجود دارد؟ از کجا می‌توان مطمئن به درستی یک معرفت شد؟

پیشوگ

ملای صحّت معرفت

فوشنگاه تخصصی کتب دینی

پاسخ این سؤال با توجه به تعریفی که اهل بیت علیه السلام از «معرفت» ارائه داده‌اند، معلوم می‌شود. امام باقر علیه السلام خطاب به فرزندش امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

يَا بُنَىَّ، إِعْرُفْ مَنَازِلَ الشِّعْبَةِ عَلَىٰ قَدْرِ رِوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ.
فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدِّرَايَةُ لِلرِّوَايَةِ. وَ بِالدِّرَايَاتِ لِلرِّوَايَاتِ يَعْلُو
الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصِيِّ دَرَجَاتِ الْأَيْمَانِ. إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابِ
لِعَلَيٍّ علیه السلام فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ أَنَّ قِيمَةَ كُلِّ اْمْرِئٍ وَ قَدْرُهُ
مَعْرِفَتُهُ.^۱

ای پسرم، درجات و مراتب شیعیان را از اندازه روایت و میزان معرفت آنها بشناس. چرا که معرفت، همان فهم و شناخت روایات است. و از طریق همین فهم‌ها نسبت به روایات است که مؤمن تا بالاترین درجات ایمان بالا می‌رود. من در نوشته‌ای از علی علی‌الله نظر کردم و در آن چنین دیدم که ارزش و منزلت هر کس (به اندازه) معرفت اوست.

همه مطلب در این عبارات بیان شده است. معرفت از نظر پیشوایان ما چیزی جز فهم احادیث نیست. این خود میزانی است برای تشخیص معرفت صحیح؛ به طوری که در هر بابی، احادیث مربوط به آن، معیار صحّت معرفت در آن باب می‌باشد. مثلاً در خداشناسی، میزان صحّت یا عدم صحّت معرفت خدا، روایاتی است که در این خصوص وارد شده است.

این امر، اهمیّت رجوع به احادیث اهل بیت علی‌الله^{علی‌الله} را در همه ابواب معارف روشن می‌کند و همین، معیار درجه ایمان شخص می‌باشد. هر کس به اندازه فهم عمیق خود در احادیث ائمه علی‌الله^{علی‌الله} از کمال ایمان بهره‌مند می‌شود.

پس اگر کسی در معارف دینی، کاری به روایات نداشته باشد و معرفت خود را از منابع غیر حدیثی اخذ کند، نباید انتظار صحّت معرفت خود را داشته باشد. ارزشی که امیر المؤمنین علی‌الله^{علی‌الله} برای هر انسانی قائل هستند، به میزان معرفت او برمی‌گردد و درستی معرفت هم معیارش رجوع به احادیث و فهم عمیق نسبت به آنهاست.

علم صحیح فقط نزد اهل بیت ﷺ است

سرّ مطلب واینکه چرا معیار صحّت معرفت، منطبق بودن آن با احادیث می‌باشد، در این حقیقت نهفته است که اصولاً هیچ علمی جز از ناحیهٔ اهل بیت ﷺ به دست نمی‌آید. منظور از علم، آن حقیقت نوری است که خداوند در قلبِ هر کس که بخواهد، قرار می‌دهد و او را هدایت می‌نماید. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

لَيْسَ الْعِلْمُ بِالْتَّعْلُمِ. إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبِ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يَهْدِيهِ.^۱

علم به درس خواندن حاصل نمی‌شود. علم چیزی نیست مگر نوری که در قلبِ آن که خدای تبارک و تعالیٰ هدایتش را بخواهد، پدید می‌آید.

در این علم، خطأ و اشتباه راه ندارد. کسی را که خداوند بخواهد هدایت کند، از طریق نور علم به راه صحیح می‌آورد. بنابراین علم واقعی همیشه صحیح و مطابق با واقع است. آن علوم بشری است که خطأ در آن راه پیدا می‌کند، ولی علوم و معارف الهیه همیشه واقعی و صحیح هستند. خدا منبع و مرکز این نور را قلوبِ مقدس چهارده معصوم ﷺ قرار داده و به دیگران هم که طالب علم هستند، سفارش کرده تا فقط به آنها رجوع نمایند. امام صادق علیه السلام به یونس بن ظییان می‌فرمایند:

إِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ الصَّحِيحَ، فَعَنِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. فَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ».^۲

۱ - بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۱۷.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۹، ح ۳۰، از کفاية الاثر.

اگر علم صحیح می‌خواهی، پس نزد ما اهل بیت است. زیرا ما آن اهل ذکر هستیم که خداوند فرموده است: «اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید.»^۱

این راه تنها راهی است که می‌توان علم را از طریق آن طلب کرد. از غیر این طریق، علمی به دست نمی‌آید. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

وَاللهِ لَا يُوجَدُ الْعِلْمُ إِلَّا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ نَّزَّلَ عَلَيْهِمْ جَبَرِيلُ.^۲

قسم به خدا، علم یافت نمی‌شود مگر از ناحیه اهل خانه‌ای که جبرئیل بر آنها نازل شده است.

بنابراین اگر حقیقتی برای انسان کشف شود، مسلماً ریشه آن به اهل بیت علیه السلام برمی‌گردد؛ هر چند که خود شخص به این مطلب توجه نداشته باشد. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ حَقٌّ وَ لَا صَوَابٌ إِلَّا شَيْءٌ^۳
أَخَذُوهُ مِنًا أَهْلَ الْبَيْتِ. حضرتی کتب دینی

توجه داشته باشید! هیچ حقیقت و سخن صحیحی نزد مردم نیست مگر آنکه آن را (بالآخره) از اهل بیت گرفته‌اند.

ریشه سخنانِ صحیح و معارفِ حقة، فقط و فقط فرمایش‌های اهل بیت علیه السلام است. اگر این سخنان نبود، هیچ‌کس از معرفت صحیح برخوردار نمی‌شد. همین خارج شدن از ناحیه اهل بیت علیه السلام معیار صحّت یک عقیده می‌باشد؛ به طوری که اگر عقیده‌ای با آنچه ایشان

۱ - حل / ۴۳.

۲ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۱، ۹۲، ح ۱۹، از بصائر الدرجات.

۳ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۴، ۹۵، ح ۳۱، از محاسن برقی.

فرموده‌اند، تطبیق نکند و به نحوی از ایشان سرچشمه نگیرد، قطعاً سخن بیهوده و باطلی است. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

كُلُّ مَا لَمْ يَخْرُجْ مِنْ هَذَا الْبَيْتِ، فَهُوَ باطِلٌ^۱.

هر آنچه از این خانه (بیت وحی) بیرون نیامده باشد، باطل و ناصواب است.

بنابراین بالاترین درجه ایمان این است که انسان خود را ملزم نماید که هیچ سخن و عقیده‌ای را از کسی جز اهل بیت علیه السلام نگیرد و فقط تسلیم در خانه ایشان باشد. اگر چنین کند، مفتخر به رتبه «منا اهل الْبَيْت» می‌گردد. امیر المؤمنین علیه السلام خطاب به کمیل بن زیاد نخعی فرمودند:

يَا كَمِيلُ، لَا تَأْخُذْ إِلَّا عَنَّا، تَكُنْ مِنَّا.^۲

ای کمیل، جز از ما (اهل بیت) کسب (علم) نکن تا از ما باشی. این بزرگترین افتخار برای دوستدار اهل بیت علیه السلام می‌باشد که هر چند از نعمت در ک حضور امام زمانش محروم است، ولی با تقید به احادیث ائممه علیهم السلام در همین زمان غیبت می‌تواند به چنان مقامی نایل شود.

استقامت در پرتو علم صحیح

بنابراین اگر انسان بخواهد معارف صحیحی در دین داشته باشد، باید برای کسب علم جز به اهل بیت علیه السلام رجوع نکند و محسول

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۰، ح ۳۴، از بصائر الدرجات.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۷، ح ۳۴، از تحف العقول.

تفکّرات بشری را بر تعالیم اهل بیت علیهم السلام ترجیح ندهد و از التقاط و مخلوط کردن اینها بایکدیگر پرهیز نماید. در این صورت، از قوّت یقینی در معرفت خود برخوردار می‌شود که هیچ شبهه و اشکالی او را نسبت به عقایدش سست نمی‌سازد؛ به طوری که اگر کوهها تغییر کنند، او تغییر نمی‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل خطاب به محمد بن حنفیه می‌فرمایند:

١- تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تَرْكُلُ.

کوهها تغییر می‌کنند ولی تو تغییر نکن (استوار باش).

این فرمان امیرالمؤمنین علیه السلام باید در زمینه ایمان و عقیده نیز مورد توجه واقع شود. راه عملی شدن آن این است که انسان عقاید خود را از طریق صحیح آن کسب کند و به غیر آنچه از این راه به دست می‌آید، اعتماد نورزد. تغییر کوهها غیر علنى و نامحسوس است. مؤمن باید در معرفت خویش به حدّی از یقین برسد که تغییرات نامحسوس هم نداشته باشد. تنها در این صورت است که می‌تواند مطمئن باشد که هیچ مطلبی او را متزلزل نمی‌کند و به هیچ وجه نسبت به عقاید صحیح خود به شکّ و تردید نمی‌افتد.

«شک» از بدترین آفاتی است که ایمان و یقین انسان را تهدید می‌کند. در زمان غیبت امام علیه السلام با انواع و اقسام افکار و عقیده‌هایی مواجه هستیم که هر یک به شکلی معرفتهای انسان را در معرض شکّ و تردید قرار می‌دهند. انسان هر اندازه هم که با سواد باشد و با سخنان

این و آن آشنا باشد، تا از منبع اصلی معرفت، عقاید خود را کسب نکردد باشد، از خطرشک در آنها مصون نخواهد بود. یکی از مهمترین عوامل حفظ اعتقاد آدمی در مقابل شک و وسوسه همین امر است. بنابراین اگر نگران حفظ دین خود در زمان غیبت هستیم، باید نسبت به مجرای به دست آوردن آن، دقّت کافی را نجام دهیم و جز به آنچه از ناحیه اهل بیت علیهم السلام رسیده، اعتماد نورزیم. امام علیهم السلام فرمایند:

مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنْنَةِ نَبِيِّ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،
زَالَتِ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ. وَ مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ أَفْوَاهِ الرِّجَالِ،
رَدَّتْهُ الرِّجَالُ.^۱

هر کس دین خود را از کتاب خدا و سنت پیامبرش برگیرد، اگر کوهها تغییر کنند، او تغییر نمی‌کند. و کسی که دین خود را از دهان این و آن (غیر معصوم) بگیرد، همان‌گونه افراد او را از دین برمی‌گردانند.

F

و شکاه تخصصی کتب دینی

بشارت خداوند به خردمندان

گاهی تحت این عنوان که انسان باید همه سخنان را بشنود و آنگاه از میان آنها بهترینش را برجزیند، همه افکار و اندیشه‌ها در کنار هم گذاشته می‌شوند و همگی به یک چشم نگریسته می‌شوند. مکرر مشاهده می‌شود که بسیاری می‌خواهند از این طریق و با فهم و تشخیص خود، تکلیف احادیث معصومین علیهم السلام را هم معلوم کنند و هیچ فرقی بین افکار بشری و الهی در اصل نگرش خود قادر نمی‌شوند. آنگاه سخن خود

ربا به آیه قرآن هم مستند می‌کنند که می‌فرماید:

«بَيْشِرُ عِبَادِ الدِّينِ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَبَعَّونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ».^۱

پس بشارت ده بندگانِ مراکه سخن (حق) را می‌شنوند، سپس به بهترین صورتش از آن پیروی می‌کنند. آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده و آنها همان صاحبانِ عقل سليم هستند.

اینها آیه را چنین معنا می‌کنند که باید هر سخنی راشنید. الف و لام را در «القول» الف و لام استغراق می‌گیرند - و آنگاه از میان آنها بهترینش را بزرگردید. بعد هم اضافه می‌کنند که خدا به کسانی که چنین روشی دارند، وعده هدایت داده و آنها را صاحبانِ عقل خوانده است.

اینها چون به اهل بیت علیهم السلام مراجعه نکرده‌اند، در فهم معنای صحیح همین آیه هم به خطا رفته و تفسیر به رأی نموده‌اند. وقتی ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام درباره این آیه پرسید، حضرت چنین پاسخ دادند:

هُمُ الْمُسْلِمُونَ لَا لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِينَ إِذَا سَمِعُوا الْحَدِيثَ لَمْ يَزِدُوا فِيهِ وَلَمْ يَنْفَضُوا مِنْهُ؛ جَاءُوا بِهِ كَمَا سَمِعُوهُ.^۲

اینها کسانی هستند که تسليم آل محمد صلی الله علیه و سلم می‌باشند که وقتی حدیث را می‌شنوند، در آن (تغییر نمی‌دهند) و اضافه و کم نمی‌کنند و همان‌گونه که شنیده‌اند، آن را می‌آورند (نقل می‌کنند یا به آن عمل می‌نمایند).

پس «القول» در آیه شریفه، قول خاصی است که همان قول حق و

سخن صحیح می‌باشد و الف و لام آن الف و لام عهد است. آیه در مورد کسانی است که وقتی احادیث اهل بیت ظاهر علیهم السلام را می‌شنوند، تسلیم آن می‌گردد و بدون دخل و تصریف در آن و به همان شکلی که شنیده‌اند، به آن ملتزم می‌شوند. پس «یَتَبَعُونَ أَحْسَنَه» معنایش این نیست که از میان اقوال مختلف بهترین آن را انتخاب می‌کنند، بلکه منظور پیروی از حدیث به بهترین شکل آن یا بهترین شکل پیروی از آن است. بهترین شکل حدیث یا پیروی از آن، نقل و عمل به حدیث به صورت دست نخورده و تغییر نیافته آن می‌باشد. کسانی را که چنین عمل می‌کنند، خداوند هدایت کرده‌است.^۱

در آیه شریفه صحبت از وعده هدایت در آینده نیست، بلکه اینها «هدایت شده» هستند که چنین عمل می‌کنند و می‌دانند که باید نسبت به حدیث آل محمد صلی الله علیہ و آله و سلم چه برخوردي داشته باشند. اینها همان «او لا الباب» هستند که به ضعف علمی و عقلی خود پی برده‌اند و به همین دلیل می‌دانند که باید کاستی‌های خود را با رجوع به اهل بیت علیهم السلام جبران کنند. بنابراین در تسلیم نسبت به ایشان، تأمل و تردیدی به خود راه نمی‌دهند و در لفظ یا معنای احادیث دخل و تصریفی را از ناحیه خود مُجاز نمی‌شمارند. اینجاست که روشن می‌شود معرفت صحیح جز با تسلیم به اهل بیت علیهم السلام برای انسان حاصل نمی‌گردد.

۱ - البته ضرورت تأویل معنای ظاهر حدیث یا جواز آن در موارد لازم، خدشهای به این بحث وارد نمی‌سازد. زیرا تأویل صحیح ضوابط و معیارهایی دارد که رعایت آنها از مصاديق «اتباع احسن» نسبت به حدیث است.

نتیجه اینکه هر سخنی را باید شنید و هر فکری را باید دنبال کرد و به هر مکتبی باید روی خوش نشان داد. افکار و اندیشه‌های مختلف، سلامت روح و قلب انسان را به خطر می‌اندازد. انسان باید به نام تحقیق، خود را آلوهه به هر گرایشی بکند و در معرض انواع و اقسام انحرافات قرار بدهد؛ زیرا معلوم نیست که بتواند از منجلاب آراء و افکار منحرف، سالم بیرون بیاید.

لازم‌آمد وجود عقل و درایت، احتیاط و اجتناب از آینه‌های ساختگی و مکاتبی است که انتساب آنها به منبع وحی مورد اعتماد نیست. تا انسان مطمئن نشده که یک مکتب فکری از منبع الهی تغذیه می‌کند، باید با دیده خوش بینانه به آن بنتگرد؛ و اگر خودش صاحب نظر نیست، باید به افراد با صلاحیت در این زمینه مراجعه نماید؛ همچنانکه در مورد جسم و بدن خود، نیز به هر کسی رجوع نمی‌کند و تا مطمئن نشود که با پزشک متخصص موافق است، به سخنانش اعتماد نمی‌کند.

سلامت روح و قلب انسان به مراتب بیش از سلامت جسمش ارزش دارد و هر قدر نسبت به حفظ سلامت بدنش حساسیت دارد، باید بیش از آن را در مورد روحش داشته باشد. طبیبان روح و فکر آدمی، ائمه علیهم السلام هستند و کسانی که همه اعتقادات خود را از آنها کسب کرده‌اند، صلاحیت دارند که انسان به ایشان رجوع کند و از آنها راهنمایی بخواهد.



۲

فصل

تسلیم به امر الٰهی در مورد امام علیہ السلام

درس دوم: تسلیم در برابر امام علیہ السلام، لازمه ایمان



شرط تسلیم در معرفت

فتوشاہ تخصصی کتبخانہ

یکی دیگر از آثار و لوازم معرفت امام علیہ السلام شدن نسبت به ایشان است. معرفت صحیح جز به این وسیله برای انسان حاصل نمی‌گردد. امام صادق علیہ السلام می فرمائید:

إِنَّكُمْ لَا تَكُونُونَ صَالِحِينَ حَتَّىٰ تَعْرِفُوْا وَ لَا تَعْرِفُوْنَ حَتَّىٰ
تُصَدِّقُوْا وَ لَا تُصَدِّقُوْنَ حَتَّىٰ تُسَلِّمُوْا.^۱

شما تا معرفت نداشته باشید، صالح نخواهید بود. و تا باور و اعتراف نداشته باشید، معرفت نخواهید داشت. و تا تسلیم نشوید، باور و اعتراف نخواهید داشت.

۱ - اصول کافی، کتاب الحجۃ، باب معرفة الامام و الرذاليه، ح ۶.

«تصدیق» همان باور و اذعان قلبی است که تا در انسان پیدا نشود، اهل معرفت نخواهد بود. با این ترتیب تصدیق، شرط معرفت و تسليم هم شرط تصدیق است. بنابراین معرفت بدون تسليم حاصل نمی‌شود. وقتی این هر سه وجود داشته باشد، انسان در شمار صالحان قرار می‌گیرد. پس کسی که اهل تسليم به اهل بیت علیهم السلام نیست، اهل معرفت و ولایت ایشان هم نیست و از جمله صالحان محسوب نمی‌شود.

البته تسليم شدن به اوامر و نواهی ائمه علیهم السلام لازمه پایین ترین درجه از معرفت امام علیهم السلام است؛ که در گذشته از امام صادق علیه السلام نقل کردیم:

أَدْنُى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عِدْلُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا دَرَجَةُ النُّبُوَّةِ وَ
وَارِثُهُ وَأَنَّ طَاعَتَهُ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لَهُ فِي
كُلِّ أَمْرٍ وَ الرَّدُّ إِلَيْهِ وَ الْأَخْذُ بِقُولِهِ^۱

پایین ترین حد معرفت امام این است که او همتای پیامبر صلی الله علیه و سلّم - جز در نبوت و وارث آن حضرت می‌باشد، و اینکه اطاعت از امام، اطاعت از خدا و رسول خداست، و تسليم شدن به او در هر کار، و ارجاع دادن هر چیزی به ایشان و سپس برگرفتن نظر امام در آن مورد.

اگر شخصی به درجه ارجاع و تسليم نسبت به امام علیهم السلام نرسد، اصلاً مؤمن نخواهد بود. این تسليم البته دارای درجات است. هر چه ایمان شخص کاملتر شود، درجه تسليم او بالاتر می‌رود. پایین ترین حد آن این است که انسان بنای بر اطاعت و تسليم نسبت به ائمه علیهم السلام داشته باشد و به طور کلی می‌توان گفت که اصولاً ایمان بدون تسليم (لاقل در

۱ - بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۴۰۷، ح ۱۶، از کفاية الاثر.

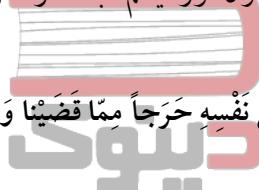
پایین ترین درجه‌اش) محقق نمی‌شود. چنان‌که فرموده‌اند:

لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّىٰ يَعْرَفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأئمَّةَ كُلَّهُمْ وَ
إِمامَ زَمَانِهِ وَيَرِدَ إِلَيْهِ وَيُسَلِّمَ لَهُ.

بنده، مؤمن نخواهد بود مگر آنکه معرفت خدا و رسول او و همه امامان و امام زمان خود را داشته باشد و به آن حضرت ارجاع دهد و تسلیم ایشان باشد.

این یکی از اموری است که وجودش برای سلامت دین در زمان غیبت، ضرورت دارد. به همین جهت حضرت سجاد علیه السلام - در حدیثی که در ابتدای درس اول آوردیم - بعد از شرط صحّت معرفت، فرموده‌اند:

وَلَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَسَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.



شرك و كفر، نتيجة عدم تسلیم عليهم السلام كتب دینی

تسلیم در اینجا تسلیم قلبی است. یعنی باید با میل و رغبت و رضایت قلبی، خواسته‌های اهل بیت علیهم السلام را پذیرد و قبول آنها برایش سخت نباشد. به قدری این امر ظریف و مهم است که اگر کسی به همه ظواهر دینی عمل کند، ولی این حالت قلبی - حدّاًقل در پائین ترین رتبه‌اش - هنوز در او پیدا نشده باشد، از ایمان کاملاً بی‌بهره است؛ بلکه در شمار مشرکین محسوب می‌گردد. به طور کلی درجه ایمان انسان

۱ - اصول کافی، کتاب الحجۃ، باب معرفة الامام والزد اليه، ح ۲، از امام باقر یا امام صادق علیهم السلام.

۲ - کمال الدین، باب ۳۱، ح ۸.